

ارزیابی تحقق تعهدات دولت‌های هفتم و هشتم در خصوص تنش‌زدایی بین‌المللی

رضا ایاسه

کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران

چکیده

در کشورهای کم‌وبیش دموکراتیک استوار بر رقابت‌های حزبی و شبه‌حزبی، یکی از منظرهای ممکن و معمول بررسی عملکرد حکومت‌ها منظر تطبیقی است که در چارچوب آن می‌توان نسبت میان وعده‌های انتخاباتی و عملکرد حکومت‌ها سنجید. هرچند در جمهوری اسلامی ایران رقابت‌های حزبی رسمی و جافتاده‌ای وجود ندارد و شبه‌تشکل اصلاح‌طلب و اصول‌گرا حداقل امکانی را برای انجام چنین مطالعاتی فراهم می‌کند. بنابراین از این منظر می‌توان برنامه‌های انتخاباتی و عملکرد حکومت‌های اصلاح‌طلب یا اصول‌گرا را همسنجی کرد و نسبت آن دو را موضوع مطالعات روشمند قرار داد. ولی چنین مطالعاتی در ایران معمولاً چندان محلی از اعراب ندارد و به همین دلیل شناخت معتبری از نسبت میان وعده‌ها و عملکردها وجود ندارد. این ادعا در مورد حکومت اصلاح‌طلبان یا به اصطلاح «دولت اصلاحات» هم صادق است. بنابراین مسئله پژوهش پیشنهاد حاضر شناخت معتبر از نسبت میان وعده‌های انتخاباتی اصلاح‌طلبان و عملکرد آن‌ها با تاکید بر سیاست تنش‌زدایی در سیاست خارجی است. با بررسی وعده‌های دولت اصلاحات در خصوص تنش‌زدایی بین‌المللی با توجه به شاخص‌های سیاسی-امنیتی، اقتصادی، و فرهنگی، چنین به دست می‌آید که دولت اصلاحات در برخی مؤلفه‌ها توفیقاتی هر چند موقت را به دست آورد ولی نهایتاً در نیل به وعده‌های خویش که مبتنی بر اعتماد به غرب بود، موفق نبوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: تنش‌زدایی، اصلاح طلبان، دولت

مقدمه

در جمهوری اسلامی ایران، به سبب ضعف در نهادینه شدن تحزب در جامعه، با عدم شفافیت عملکرد دولت‌ها بر اساس تعهدات داده شده مواجهیم. اینکه اساساً کارکرد احزاب در ایران در قیاس با کشورهای توسعه یافته در چه سطحی است موضوع پژوهشی دیگر است، اما این نکته را باید در نظر داشت که ضعف ساختار احزاب در ایران باعث شده است که عدم شفافیت و پاسخگویی دولت‌ها در قبال تعهدات خود به جامعه و نظام سیاسی تبدیل به یک معضل بزرگ در تحلیل عملکردشان شود. پژوهش حاضر سعی دارد با مطالعه دولت اصلاحات، میزان انطباق‌پذیری نظر و عمل اصلاح طلبانه را در شاخص مهم تنش‌زدایی بین‌المللی، که یکی از رویکردها و شعارهای جریان اصلاح طلب بوده است، مورد سنجش قرار دهد. از این رو در این مقاله به این سوال پرداخته می‌شود که چه نسبتی میان تعهدات اصلاح طلبان درباره تنش‌زدایی بین‌المللی با عملکرد دولت اصلاحات در این زمینه وجود دارد؟ دلیل انتخاب این شاخصه برای سنجش دولت سید محمد خاتمی را می‌توان در نوع نگاه متفاوت جریان اصلاحات به این مفروضات جست. به طور خلاصه، در پژوهش پیش رو سعی می‌کنیم با رویکردی توصیفی نسبت میان اصلاح طلبی، اعم از تعهدات، شعارها، برنامه‌ها و چشم‌اندازهای مد نظر جریان اصلاح طلبی، را با مقدمات و سیاست‌گذاری‌های دولت اصلاحات در بُعد تنش‌زدایی بین‌المللی مورد ارزیابی قرار دهیم. از این رو ابتدائاً مفهوم تنش‌زدایی و اصول و مشخصات آن ارائه می‌شود سپس با بررسی خط و مشی اصلاح طلبان در خصوص سیاست تنش‌زدایی، در بخش پایانی عملکرد دولت اصلاحات در زمینه سیاست تنش‌زدایی مورد سنجش قرار می‌گیرد.

۱- مفهوم تنش‌زدایی

واژه تنش‌زدایی دال بر وجود تنش است که قبلاً وجود داشته و حال تقلیل یافته و یا رفع می‌شود. تنش‌زدایی می‌تواند مرحله مقدماتی برقراری مناسبات حسنه باشد. (مورگنتا؛ ۱۳۷۴؛ ۵۸۱) تنش‌زدایی یا تنش‌زدایی در زبان فارسی از واژه فرانسوی *Dedente* برگردانده شده است و معمولاً در محاورات سیاسی برای بیان وضع کشورهایی که مدتی با هم در حال کشمکش و منازعه و تنش بوده‌اند و اکنون آرامش نسبی میان آن‌ها برقرار گشته و ضمناً تمایلی نیز در رفتارشان برای بهبود بیشتر در روابطشان مشهود است، واژه «دتانت» یا «تنش‌زدایی» به کار می‌برند و منظور از میان‌برخاستن تنش‌های سیاسی است (فرهیخته؛ ۱۳۷۷؛ ۲۹۳). تنش‌زدایی سیاستی بوده که از سوی ریچارد نیکسون به منظور ترمیم وجهه ی بین‌المللی آمریکا اتخاذ شده بود. از سوی دیگر عقب ماندگی اقتصادی و درگیر شدن مستمر با مشکلات اجتماعی و سیاسی سبب گردید، تا رهبران شوروی نیز از سیاست تنش‌زدایی در قالب اصل همزیستی مسالمت‌آمیز استقبال نمایند. در واقع دوران تنش‌زدایی (۱۹۸۰-۱۹۷۰م)

تنش‌زدایی به معنای وضع و حالتی است که عناصری از «همگرایی» و «محدودسازی» را در بر می‌گیرد. در واقع می‌توان استدلال کرد که سیاست تنش‌زدایی صرفاً روشی است که به منظور نظم دادن به اختلافات نظامی و حفظ وضع موجود به کار گرفته می‌شود، و توازنی صلح‌آمیز در زمینه اهداف و منافع متعارض دولتها در پائین ترین سطح مشترک می‌آورد (ازغندی؛ ۱۳۷۰؛ ۴۶). تنش‌زدایی مستلزم تفاهم و خودبختنداری بیشتر نسبت به یکدیگر است، به این ترتیب، تنش‌زدایی روندی نظم دهنده، تأثیرگذار و آینده نگر می‌باشد. تنش‌زدایی می‌تواند در برگیرنده سیاست حفظ توازن قوایا شامل عناصر اقتصادی و اجتماعی مشخصی باشد و نیز می‌تواند با تأکید بر ضرورت‌های سیاست خارجی در صدد دگرگونی در دیگر کشورها در جهت

حرکت به سوی جامعه ایده آل و مطلوب و همچنین می تواند خواست و تأمین وضع موجود و یا نیز تغییر وضع موجود باشد (ازغندی؛ ۱۳۷۰؛ ۴۶).

۱-۲- مشخصات و ویژگی های تنش زدایی:

- ۱- خاتمه دادن در تئوری و عمل به تیرگی روابط و ایجاد تفاهم از طریق بحث و گفتگو
- ۲- کم اعتبار بودن ملاحظات ایدئولوژیک متعارض و جایگزینی اشتراک منافع نظامی، سیاسی و اقتصادی
- ۳- بروز خویشتنداری بیشتر نسبت به نظام سیاسی و اجتماعی طرف مقابل
- ۴- تلاش برای رفع مشکلات داخلی (عمدتاً اقتصادی) و ترمیم وجهه ی بین المللی
- ۵- ایجاد قابلیت انعطاف تاکتیکی، آمادگی برای سازش های مورد قبول طرفین، سمت گیری به سوی گفتگو و حسن تفاهم در عین دفاع از اصول خود
- ۶- پذیرش این واقعیت که مسئولیت مشکلات موجود بر دوش کشورهای مختلف قرارداد
- ۷- زمینه سازی در جهت استفاده از تسهیلات بین المللی و مطرح شدن کشور در دنیا و پیدا کردن جایگاه شایسته در عرضه بین المللی (ازغندی؛ ۱۳۷۸؛ ۵۰)

۲-۲- مهمترین اصول تنش زدایی عبارتند از:

- ۱- اعتمادسازی یا اقدامات ساز
- ۲- ضرورت جلوگیری از درگیری
- ۳- نیاز اجتناب ناپذیر طرفین به خویشتنداری
- ۴- محکوم کردن تلاش هایی که از بحرانها به منظور دستیابی به امتیازات یکجانبه سوء استفاده کند
- ۵- صرف نظر کردن از ادعای برتری جوئی
- ۶- اعلان آمادگی طرفین به اجرای اصول جدید در روابط بین الملل (تنش زدایی) و همکاری متقابل جهت تحکیم روابط طولی مدت
- ۷- آمادگی جهت همزیستی مسالمت آمیز در تحمل هر نوع شرایط سخت جهت تحقق این ایده (لماس؛ ۱۳۶۵؛ ۱۵)
- ۸- پذیرش کثرت گرایی سیاسی و اقتصادی (ازغندی؛ ۱۳۷۸؛ ۵۰)

۳- خط و مشی اصلاح طلبان در خصوص سیاست تنش زدایی

«پس از انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری در دوم خرداد ۱۳۷۶ و طرح برنامه های رئیس جمهور جدید، گسترش روابط خارجی و رسیدگی به مسائل و امور خارجی در چهارچوب رهیافت واقع گرایی نسبی باید ادامه می یافت. با این تفاوت که نحوه بیان و شیوه های رفتار و برخورد با دیگران تغییر یافت و سیاست تعدیل اقتصادی و قایل شد به توسعه صنعتی دولتی جای خود را به توسعه سیاسی داد و در روابط خارجی، پذیرفت پلورالیسم (کثرت گرایی) جهانی به معنی نفی نظام تک قطبی و پذیرش تساوی فرهنگ ها، به محور اصلی سیاست خارجی تبدیل شد.» (ازغندی؛ ۱۳۷؛ ۱۰۴۴) اگرچه در سال های دهه اول انقلاب اسلامی، نشانه هایی از رادیکالیسم و ایدئولوژیک گرایی در سیاست خارجی ایران وجود داشته است و به عبارتی می توان نشانه هایی از گفتمان ایدئولوژیک اسلامی را در سیاست خارجی ملاحظه نمود؛ اما تغییر در ساختار داخلی و همچنین

فرآیندهای مربوط به نظام بین‌المللی را می‌توان عامل متحول‌سازی گفتمان ایدئولوژیک اسلامی دانست. در دوران خاتمی جلوه‌هایی از گفتمان تنش‌زدایی ظهور یافت. این گفتمان معطوف به همکاری‌گرایی با محیط منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. (سجادپور، ۱۳۷۹: ۴۴). مجموعه‌ای از شرایط داخلی کشور و مسائل متعدد در روابط خارجی ایران، خاتمی را بر آن داشت تا به یک بازنگری اساسی در سیاست خارجی و روابط بحرانی ایران با قدرت‌های بزرگ جهانی و کشورهای منطقه بپردازد. «بازنگری سیاست خارجی هم متأثر از الزامات و عوامل داخلی بود و هم تحت تأثیر شرایط و تحولات نظام بین‌الملل قرار داشت.» (ازغندی، ۱۳۸۴: ۲۴۳). خاتمی سیاست خارجی دولت خود را بر مبنای تنش‌زدایی در چارچوب عزت، حکمت و مصلحت قرار نهاد که از این رو سیاست خارجی در صدد رفع سوءتفاهم‌های انباشته شده از گذشته و در تلاش جهت پایان دادن به هر نوع تنازع و کشمکش بین‌المللی است و برای تأمین امنیت خود به واقعیت‌های موجود بین‌المللی توجه دارد، یعنی به هنگام بودن سیاست خارجی، برخورد برنامه‌ریزی شده و به روز با نظام بین‌الملل و بازیگران آن را اقتضاء می‌کند. (christain, 2001:138)

۴- عملکرد دولت اصلاحات در زمینه سیاست تنش‌زدایی

برای ارزیابی و سنجش میزان موفقیت و کارآیی پیگیری سیاست تنش‌زدایی در عرصه سیاست خارجی دولت اصلاحات (با توجه به اولویت‌های ذکر شده) که تجلی آن در روابط خارجی کشور بروز می‌یابد، لازم است از مجموعه‌ای ملاک‌ها و شاخص‌ها بهره‌گیری شود تا بر پایه‌ی آن شاخص بتوان ارزیابی و سنجشی مقرون به صحت و صواب انجام داد. بر این اساس، در این جا، تلاش گردیده تا برای دستیابی به این مقصود، سه دسته شاخص و ملاک ارزیابی و سنجش در نظر گرفته شود تا بر پایه‌ی این ملاک‌ها بتوان درباره‌ی میزان موفقیت‌ها و ناکامی‌های سیاست خارجی دولت اصلاحات در پیگیری سیاست تنش‌زدایی داوری نمود.

الف: شاخص سیاسی و امنیتی

در چارچوب این شاخص، موضوعاتی همچون چگونگی سطح روابط خارجی متقابل، چگونگی روند انجام مذاکرات دیپلماتیک و سیاسی و سفرهای متقابل مقامات رسمی و نیز موضوعاتی که به نوعی با امنیت ملی یک کشور مربوط و مرتبط است، مورد بررسی و مطالعه واقع می‌شود و از کم و کیف این موضوعات و چگونگی آنها در طول حیات رسمی و سیاسی یک دولت، ارزیابی صورت می‌گیرد.

ب: شاخص مناسبات اقتصادی: تجاری و بازرگانی

در این شاخص، موضوعات و داده‌های اقتصادی، تجاری، فنی و تکنولوژیکی که از جمله نتایج حاصل از روابط خارجی متقابل دو یا چند بازیگر بین‌المللی به حساب می‌آید، مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرد. برخلاف مذاکرات گذشته که صرفاً موضوعات سیاسی در دستور کار قرار می‌گرفت، همکاری‌های ملموس اقتصادی و تجاری نیز مورد نظر بوده و بر یافتن زمینه‌های عملی همکاری مشترک متمرکز شد. (خالوزاده، ۱۳۸۵: ۲۱۶).

ج: شاخص فرهنگی تصویرسازی مثبت (illustration positive)

در این شاخص، تصویر و چهره‌ای که یک دولت از خود در صحنه‌ی بین‌المللی به نمایش می‌گذارد و یا سایر بازیگران بین‌المللی آن دولت را متصف به آن میدانند، مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌گیرد. (نادری؛ ۱۳۹۴: ۸۰)

حال با توجه به اولویت های سیاست خارجی دولت اصلاحات و همچنین شاخص های بدست آمده برا سنجش موفقیت سیاست خارجی دولت اصلاحات که مبتی بر تنش زدایی می بود به بررسی روند سیاست خارجی تنش زدای دولت خاتمی می پردازیم.

۴-۱- کشورهای منطقه

به سبب اهمیت حیاتی منطقه خلیج فارس برای ایران، این منطقه در راس اولویتهای پیگیری سیاست تنش زدایی ج.ا.ا قرار گرفته است. پیام های انتخاباتی آقای خاتمی برای جامعه بین المللی به ویژه همسایگان ایران بسیار جالب توجه بود. این پیام ها نخستین نشانه های اصلی تلاش آشتی جویانه ایران به شمار می رفت. طرح ایده گفت و گوی تمدنها و در پیش گرفتن سیاست تنش زدایی در سیاست خارجی نیز نشان آن بود که جمهوری اسلامی ایران خواهد کوشید تا روابط خود را با کشورهای جهان به ویژه کشورهای منطقه و عرب خلیج فارس بهبود بخشد و درصدد ایجاد اعتماد در آن ها برای همکاری با جمهوری اسلامی برای حل و فصل مسائل منطقه ای گردد. بهبود روابط ایران با کشورهای عربی تأثیرگذار این منطقه در دوره خاتمی، حاکی از تغییر نگرش طرفین به یکدیگر بوده است. جمهوری اسلامی ایجاد روابط حسنه با عربستان سعودی را به معنای ایجاد روابط بهتر با تمامی کشورهای اسلامی به طور اعم و کشورهای حوزه خلیج فارس به صورت اخص می داند. در این دوره ایران روابط خود را با کشورهای عربی به نحو چشمگیری افزایش داد. وجود اشتراکات مختلف فرهنگی، اقتصادی و امنیتی در میان کشورهای منطقه خلیج فارس این امکان را به جمهوری اسلامی داد تا در قالب کنفرانس اسلامی، کمک به احقاق حقوق فلسطینی ها و بازگشت به فرهنگ اصیل اسلامی روابط خود را با کشورهای عربی و مسلمان به صورت چشمگیری افزایش دهد.

۴-۱-۱- عربستان سعودی

از مهمترین دستاوردهای سیاست تنش زدایی، ارتباط ایران با عربستان سعودی به عنوان پایه توازن و شاه کلید ارتباط با کشورهای عرب منطقه می باشد. تنش زدایی با عربستان سعودی در تمامی شاخصه های سیاسی - امنیتی، اقتصادی و تصویرسازی - فرهنگی در سطح بالایی قرار داشت به طوری که در این دوران ایران و عربستان سعودی شاهد گرمترین روابط سیاسی در طول تاریخ سیاسی هفتاد سال گذشته خویش بوده اند و گفتگوی درون تمدنی با کشورهای اسلامی از طریق تأکید بر اسلامیت منطقه می تواند اثر گذاری زیادی بر این روابط داشته باشد. (نوازی؛ ۱۳۸۱؛ ۲۵۰) نزدیک به ۷۰ سال از تاریخ برقراری روابط رسمی بین ایران و پادشاهی عربستان می گذرد (تا خرداد ۱۳۷۶) پس از تشکیل حکومت عربستان توسط ملک عبدالعزیز دولت وقت ایران در سال ۱۳۰۷ با این کشور روابط سیاسی برقرار نمود. (Badid؛ ۱۹۳۲-۱۹۸۳؛ ۱۷) مناسبات ایران و عربستان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی اغلب به دور از تنش بوده است، هرچند مسائلی چون بحرین و جزایر سه گانه ایران روند مناسبات تأثیر منفی داشتند. اما همکاریهای نظامی دو کشور در جنگ داخلی یمن در سال ۱۳۴۱ ه. ش و جنگ ظفار در سال ۱۳۴۷ ه. ش از شاخص های همسویی مناسبات در این دوره تلقی می شود. (کاظمی؛ ۱۳۷۳؛ ۵)

طرح موضوع صدور انقلاب اسلامی و نیز حمایت ایران از نهضتهای آزادی، بخش شیعیان عربستان، این کشور را در موضع تخاصم با ایران قرار داد و با آغاز جنگ عراق علیه ایران، این تنش شدت یافت. کشتار ۴۰۰ زائر ایرانی خانه خدا توسط عربستان، نقطه اوج تقابل جمهوری اسلامی ایران با عربستان محسوب می شود، روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان پس از جنگ عراق علیه ایران، به تدریج بازسازی شد. در این مقطع جمهوری اسلامی هدفهای خودش را به صورت واقع گرایانه تری تبیین کرد و عربستان نیز کمتر نسبت به اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی دچار وحشت بود. (متقی؛ ۱۳۷۶)

مرحله جدید مناسبات جمهوری اسلامی با عربستان سعودی با روی کار آمدن جناب آقای سیدمحمد خاتمی و اعلام سیاست تنش‌زدایی در جهان و به ویژه منطقه خلیج فارس از سوی جمهوری اسلامی ایران، وارد روند جدید و مثبتی گردید. این مرحله را در طول نزدیک به ۷۰ سال که از تاریخ برقراری روابط رسمی بین ایران و عربستان می‌گذارد را می‌توان گرمترین و بهترین مرحله تاریخ سیاسی روابط دو کشور تلقی کرد. پس از انتخاب جناب آقای خاتمی به عنوان رئیس جمهوری اسلامی ایران و در پیش گرفتن سیاست تنش‌زدایی و اعتمادسازی از سوی جمهوری اسلامی ایران و در پیش گرفتن سیاست تنش‌زدایی و اعتمادسازی از سوی جمهوری اسلامی، کشورهای منطقه خلیج فارس و خصوصاً عربستان سعودی به بازسازی نگرش خود نسبت به ایران پرداختند و علاقه خود را برای داشتن روابطی براساس تفاهم احترام و منافع متقابل با ایران پنهان نکردند.

دوره هشت ساله ۱۳۸۴-۱۳۷۶ به لحاظ حجم رفت و آمدها تنوع فعالیت‌های دوجانبه، موضع رسمی مثبت و همکاریها دوره استثنائی به شمار می‌رود. بدون شک برگزاری هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی در آذرماه ۱۳۷۶ در تهران را باید نقطه عطف و در واقع آغاز روابط جدید و مثبت ایران با کشورهای عرب منطقه و به ویژه عربستان سعودی دانست. جو دوستانه هشتمین نشست سران به سر زدن جوانه های آشتی میان اعراب و ایران کمک کرده و موجب تسهیل همکاریها پس از برگزاری کنفرانس شد. امیرعبدالله ولیعهد وقت عربستان، نشست تهران را دیداری تاریخی خواند و گفت که احساس می‌کند که مسلمانان باید در رفتار با خود و همزیستی با دیگران فصل تازه ای را بکشایند.

اقدام مهم بعدی در راستای سیاست تنش‌زدایی و اعتماد سازی با عربستان سعودی سفر آقای رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به عربستان در اسفندماه ۱۳۷۶ بود. آقای رفسنجانی در رأس یک هیأت بلندپایه در چارچوب سیاست تنش‌زدایی جمهوری اسلامی عربستان سفر کرد و مورد استقبال امیر عبدالله قرار گرفت آقای رفسنجانی در دیدار ملک فهد پادشاه وقت عربستان گفت: «ایران و عربستان دو کشور مهم منطقه و جهان اسلام هستند و باید در مورد تمام مسائل مورد علاقه، روابط دوجانبه و مسائل منطقه ای تشریح مساعی و مشورتهای بیشتری داشته باشند.» (رمضانی؛ ۱۳۹۱؛ ۵۴) ملک فهد نیز گفت: «برای ما ثابت شده است که تحکیم روابط دوستی با جمهوری اسلامی به نفع مصالح و منافع دو طرف و سایر کشورهای منطقه ای است.»

موضوع گروه طالبان و رفتار خشن و ناپسند این گروه در افغانستان و نیز روند کاهش قیمت نفت، از جمله عوامل مهمی بودند که در سال ۱۳۷۷، تبادل نظر و رفت و آمد بین تهران و ریاض را افزایش دادند. سفر آقای خرازی، وزیر امور خارجه به عربستان در آبان ماه ۱۳۷۷، دیدار وی با امیر عبدالله در همین راستا صورت گرفت. در اواخر آذر ماه ۱۳۷۷، نخستین اجلاس کمیسیون مشترک همکاریهای جمهوری اسلامی و عربستان در ۵ کمیته تخصصی اقتصادی و سرمایه گذاری، علمی، بهداشتی، زیست محیطی و فرهنگی و امور جوانان و تبلیغات، آب، برق، تجاری، بازرگانی و ارتباطات به ریاست وزرای بازرگانی دو کشور در ریاض شروع به کار کرد. (واحد خبر؛ ۱۳۷۷)

همچنین همکاری بین جمهوری اسلامی و عربستان در جریان سفر وزیر نفت ایران به عربستان در اسفندماه ۱۳۷۷ مبنی بر کاهش سقف تولید نفت، منجر به افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی شد.

مسئولان جمهوری اسلامی به درستی از اهمیت برگزاری آرام مراسم حج در پیشبرد سیاست تنش‌زدایی و اعتمادسازی واقف هستند و می‌دانند که هرچه همکاری با مسئولان سعودی در امر برگزاری حج بیشتر باشد، تفاهم و دوستی میان دو کشور بیشتر می‌شود و روابط فیما بین استحکام بیشتری پیدا می‌کند.

اقدام مهم دیگری که به طور قطع مهمترین اقدام از سوی جمهوری اسلامی در چارچوب سیاست تنش‌زدایی در منطقه خلیج فارس تلقی می‌شود، سفر جناب آقای خاتمی به عربستان سعودی و قطر در اردیبهشت ماه ۱۳۷۸ می‌باشد. این سفر اولین دیدار رئیس‌جمهوری ایران از عربستان و همچنین دیدار بالاترین مقام ایرانی از عربستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به شمار می‌رفت. سعودیها برای انجام این سفر و تبدیل آن به یک رویداد تاریخی در روابط دو کشور، همکاری در خورد توجهی نمودند و از جناب آقای خاتمی در طح رهبران بزرگ جهان استقبال نمودند. (فرازمند؛ ۱۳۷۸؛ ۴۲۵) به طور کلی نتایج حاصل از سفر جناب آقای خاتمی به عربستان را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

- ۱- فراهم نمودن زمینه‌های ایجاد اعتماد و اطمینان بین جمهوری اسلامی و کشورهای منطقه
 - ۲- فراهم کردن زمینه‌های تفاهم و همکاری در عرصه‌های مختلف
 - ۳- محسوب نمودن خلیج فارس بعنوان کانون ثبات و آرامش در بین کشورهای خلیج فارس
 - ۴- تحقق بستر مناسب برای ایجاد زمینه‌های دوستی بین ایران و اعراب منطقه
- می‌توان گفت که مهمترین دستاورد سفر جناب آقای خاتمی به عربستان، اعتمادسازی بین دو کشور و ایجاد تفاهم و همکاری در زمینه‌های مختلف بود اعتماد تفاهم و استحکام در روابط دو کشور ایران و عربستان یکی از عوامل مهم در همبستگی و همکاری منطقه‌ای خواهد بود. چرا که حرکت دو کشور به سمت تفاهم بیشتر و رفع سوءتفاهمات پیشین و سرانجام گسترش روابط حسنه با تمامی اعراب خواهد بود. (. (اطلاعات؛ ۱۳۷۸؛ ۳)
- مبادلات تجاری جمهوری اسلامی و عربستان سعودی که در سال ۱۳۶۹ به سفر رسیده بود، در اواخر سال ۱۳۷۷ به یکصد میلیون دلار افزایش یافت. ضمن اینکه مبادلات غیرمستقیم دو کشور نیز بالغ بر ۴۰۰ میلیون دلار می‌شد (اطلاعات؛ ۱۳۷۶؛ ۲). امضای موافقتنامه‌های هوایی و راه‌اندازی خط هوایی تهران، ریاض، تقویت خطوط کشتیرانی دو کشور برپایی نمایشگاه دائمی محصولات ایرانی، در جده، امضاء موافقتنامه همکاریهای صنایع دریایی و شیلات گشایش دفاتر نمایندگی‌های «سایکو» و «ساویک» سعودی در تهران، اعزام نیروی کار ماهر و متخصص در زمینه بهداشت و درمان به عربستان سعودی، شروع به کار وابسته بازرگانی ایران در عربستان، تأسیس بانک سرمایه‌گذاری مشترک میان ایران و عربستان، اختصاص اعتبار ۵ میلیون دلاری برای فروش کالاهای ایرانی، تصویب اعضای ویزا به تجار ایرانی با تقاضای بخش بازرگانی جمهوری اسلامی در هیئت دولت عربستان سعودی از جمله دستاوردهای کمیسیون مشترک ایران و عربستان در سفر آقای خاتمی به عربستان به شمار می‌رود. (فرازمند؛ ۱۳۷۸؛ ۴۲۵)

۴-۱-۲- سایر کشورهای منطقه

با انتخاب آقای خاتمی به ریاست جمهوری روابط بالنسبه سرد ایران و ترکیه نیز که به سطح کاردار تنزل یافته بود دوباره رو به بهبود گذاشت در پی توافق ایران و ترکیه برای ارتقای سطح روابط دوکشور بامداد روز سه‌شنبه ۱۲ اسفند ۱۳۷۶ سفیر جدید ترکیه به تهران وارد شد و متعاقباً سفیر جدید جمهوری اسلامی ایران نیز راهی آنکارا گردید. نیاز شدید ترکیه به واردات گاز ایران و ترکمنستان و وجود دو قرار داد بین ترکیه و جمهوری اسلامی ایران در خصوص واردات گاز و مواضع دوگانه آمریکا در این رابطه دولت مسعود ییلماز را بامشکل مواجه کرد. نیاز مبرم ترکیه به گاز ایران باعث شد تا علی‌رغم ادامه فشارهای آمریکا وزیر انرژی ترکیه به صراحت اعلام کند: باوجود درخواستهای آمریکا درباره عدم اجرای این طرح ترکیه چنین قصدی ندارد و کشورش در اجرای طرح انتقال گاز از ایران تصمیم جدید دارد. وی نیاز ترکیه را عامل اصلی این تصمیم ذکر کرد. سرانجام

پس از افتتاح اتصال خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به خط لوله سرتاسری گاز در ایران که با حضور آقایان سیدمحمدخاتمی و صفر مراد نیازاف روسای جمهوری ایران و ترکمنستان صورت گرفت در روز نهم نوامبر ۱۹۹۸ مسعود بیلماز نخست وزیر ترکیه در شهر ازروم واقع در شرق ترکیه کلنگ عملیات ساختمانی بخش دوم خط لوله انتقال گاز ایران به ترکیه را بر زمین زد و اعلام کرد که بخش اول این خط لوله ۲۰۰ کیلومتری به اتمام رسیده و بخش دوم آن تا نیمه اول ۱۹۹۹ به اتمام خواهد رسید و گاز وارداتی طبیعی از ایران بهره برداری خواهد شد. بیلماز مصرف گاز طبیعی ترکیه را حدود ده میلیارد مترمکعب ذکر و نیاز ترکیه به گاز را در ده سال آینده ۵۰ میلیارد مترمکعب برآورد کرد. ریزنیهای دوکشور در مورد مسائل مشترک همچون عراق در ماههای بعد نیز ادامه یافت و روابط بتدریج از گرمی بیشتری برخوردار شد (فوزی؛ ۱۳۸۷؛ ۳۵۳-۳۵۴)

۴-۲- اتحادیه اروپا:

بعد از تیره شدن روابط ایران و اروپا در اواخر سال ۷۵ که به دنبال ماجرای «دادگاه میکونوس» انجام شد و در اثر آن، اتحادیه اروپا ضمن قطع مذاکرات انتقادی خود با ایران، اقدام به خروج سفرای خود از ایران کرد، روابط دو طرف متشنج شد که این تشنج تا زمان به قدرت رسیدن خاتمی در ایران ادامه داشت (فوزی؛ ۱۳۸۷؛ ۳۵۷). در نتیجه تنش زدایی، ارتباط قطع شده ایران و اروپا از نو مورد بازنگری قرار گرفته. بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶ فضایی مثبت در روابط ایران با اروپا پدید آمد. موضع گیری خوب اتحادیه در قبال قانون آمریکایی داماتو و مخالفت با اثرات فراسرزمینی قوانین تحریم ثانویه و متعاقباً رفت و آمدهای سطوح عالی بین مقامات بلندپایه ایران و کشورهای عضو اتحادیه اروپا، طرفین را در مسیر سازماندهی دوره جدیدی از گفتگو با ماهیتی فراگیر و سازنده قرار دارد. گفتگوهای انتقادی به گفتگوهای سازنده و فراگیر تبدیل شد. برای اولین بار به طور چرخشی در تهران و پایتخت های ریاست های دوره ای اتحادیه برگزار می گردید.

در همان ابتدای شروع دوره ی ریاست جمهوری خاتمی، دولت اصلاحات با اعلام سیاست تنش زدایی و اعتمادسازی از سوی ایران، اولین دستاورد این دولت یعنی بازگشت سفرای اتحادیه ی اروپا به ایران که بر سر حادثه ی میکونوس محل مأموریت خود را ترک کرده بودند، به نتیجه رسید. در دولت اصلاحات، سطح گفت وگوها از انتقادی به هم هجانبه ارتقاء یافت و ۱۰ دور مذاکره ی فراگیر و سازنده میان ایران و اتحادیه ی اروپا صورت گرفت که منجر به تنظیم توافقات گسترده ی فی مابین شد. سطح روابط سیاسی و دیپلماتیک انگلستان و نروژ با ایران که تا پیش از دولت اصلاحات در حد کاردار بود، در این دولت به سطح سفارتخانه ارتقاء یافت؛ همچنین هیأت روابط اتحادی هی اروپا و ایران در پارلمان اروپا تشکیل شد. اتحادیه ی اروپا از سیاستهای یکجانبه گرای آمریکا به ویژه سیاست منزوی سازی ایران در صحنه ی بین المللی پیروی نکرد. سفرهای متقابل مقامات رسمی ایران و اتحادی هی اروپا گسترش یافت. خاتمی اولین رئیس جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی بود که به بسیاری از کشورهای اروپایی در چندین مرحله، سفرهای سیاسی و دیپلماتیک نمود، ضمن آن که سران برخی از کشورهای اروپایی نیز به ایران سفر کردند که این سفرهای متقابل با امضای موافقت نامه های همکاری در ابعاد مختلف همراه بود. افزون بر این، دو موضوع دیگر که به نوعی با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مرتبط است، یعنی پرونده ی هسته ای ایران و پشتیبانی یا عدم پشتیبانی از گروه های معارض و برانداز نظام همچون گروهک سازمان مجاهدین خلق در رابطه با روابط با اروپا بسیار مهم می باشند. در دولت اصلاحات با به کارگیری سیاست های اصولی، از ارجاع پرونده ی هسته ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل جلوگیری شد و مسائل و موارد ابهامی در پرونده ی هسته ای ایران با آژانس بین المللی انرژی

اتمی به درستی حل و فصل شد. علاوه بر این، در دولت اصلاحات با دیپلماسی فعال ایران، اتحادی هی اروپا نام سازمان مجاهدین خلق را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داد و اجازه فعالیت علیه ایران را از درون خاک اروپا به آن‌ها نداد. در چارچوب شاخص اقتصادی، می‌توان عمده‌ترین اقداماتی را که در دولت اصلاحات در روابط خارجی ایران و اتحادیه اروپا اتفاق افتاد، این گونه برشمرد: اروپا از پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی WTO بطور رسمی حمایت کرد و دو سند مجزا که اولی حاوی گفت‌وگوهای سیاسی و امنیتی و سند دوم در برگیرنده گفت‌وگوهای تجاری، فنی و اقتصادی بود، بین دو طرف تنظیم شد، یعنی با تنظیم سند دوم، در حقیقت اتحادیه اروپا در مسیر ارتقای روابط اقتصادی، تجاری و فنی، جدای از مسائل سیاسی و امنیتی که موارد اختلافی میان دو طرف وجود داشت، حرکت کرد. این سند تا مرز تنظیم موافقت‌نامه‌های تجاری، اقتصادی و فنی و تکنولوژیکی گسترده نزدیک شد.

چنانچه بخواهیم به طور خلاصه فهرستی از موفقیتها و دستاوردهای سیاست خارجی دولت اصلاحات در دوران هشت ساله ریاست جمهوری خاتمی را در زمینه گسترش روابط ایران و اتحادیه اروپا ارائه نمائیم، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: حل بحران فراخوانی سفرای اروپایی در پی بحران میکونوس و تبدیل گفت‌وگوهای انتقادی به گفت‌وگوهای فراگیر و سازنده؛ ارتقای سطح تماس و دیدارها؛ حل مسئله سلمان رشدی و رفع بحران چند ساله با کشورهای اروپایی به ویژه انگلیس؛ ارتقای سطح روابط با انگلیس و نروژ؛ بهبود فضای حاکم بر رسانه‌ها و افکار عمومی و افزایش سفرهای متقابل مدیران شرکت‌های دولتی، خصوصی، سرمایه‌گذاران و جهانگردان؛ ارتقای سطح تماسها و گفت‌وگوها با پارلمان اروپا و تشکیل هیأت روابط با ایران در پارلمان اروپا؛ افزایش مخالفت کشورهای اروپایی با سیاست‌های آمریکا مبتنی بر یکجانبه‌گرایی، منزوی‌سازی و رفتار خصومت‌آمیز نسبت به ایران؛ جلب موافقت و حمایت اتحادیه اروپا با پذیرش درخواست عضویت جمهوری اس‌امی ایران در سازمان تجارت جهانی و در نهایت موافقت با عضویت ایران به عنوان عضو ناظر این سازمان؛ پیشرفت اولیه در مذاکرات با اتحادیه اروپا در خصوص موافقت‌نامه همکاری و تجارت به منظور نهادینه کردن روابط و حضور مؤثر در بازارهای اروپایی؛ تشکیل و برگزاری جلسات گروه‌های کاری انرژی، تجارت و سرمایه‌گذاری و نیز جلسات کارشناسی مبارزه با مواد مخدر و مهاجرت و پناهندگی؛ رفع تحریم و ممنوعیت صدور پسته و فولاد ایران به اروپا؛ منظور کردن نام ایران در فهرست کشورهای صادرکننده محصولات شیلاتی به اروپا؛ (نادری؛ ۱۳۹۴؛ ۸۱-۸۶)

۴-۳- آمریکا

از لحاظ شاخص‌های مد نظر ما در این تحقیق برای ارزیابی سیاست خارجی تنش‌زدایی دولت خاتمی، رابطه ایران و آمریکا را در این مقطع بیشتر می‌توان در دو شاخص سیاسی و عمدتاً شاخص تصویرسازی و فرهنگی مورد ارزیابی قرارداد. در مورد شاخص اقتصادی به نظر می‌رسد تغییری در خط و مش هر دو طرف ایجاد نشده است. در پی انتخابات سیدمحمدخاتمی به ریاست جمهوری، دولت آمریکا اعلام کرد: ما با دقت و از نزدیک پیامدهای انتخاب خارجی را به سمت رئیس جمهوری این کشور دنبال می‌کنیم. آمریکا اینک انتظار می‌کشد تا ببیند آیا با این انتخاب، یک تغییر واقعی در اوضاع ایران پیش خواهد آمد. دولت آمریکا با مردم ایران یا یک دولت اسلامی مخالف نیست بلکه روشی که ایرانیان درویش می‌گیرند برای ما مورد توجه است (روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۶/۳/۴). سیدمحمد خاتمی نیز اعلام کرد که از ایجاد تنش در هیچ‌جای جهان و حتی با آمریکا استقبال نمی‌کند و خواهان روابط بین‌المللی عاری از خشونت و درگیری است و این اظهارات صریح رئیس‌جمهور، سیاست مهادنه یا سد نفوذ که برای انزوای ایران بود به چالش کشید. سیاست خارجی دولت خاتمی توانست یکی از پیچیده‌ترین

سیاست های ضد ایرانی را با بهره برداری از ترکیب از عوامل داخلی و خارجی با موانع جدی روبرو ساخته و دچار شکست نسبی کند.» (سجادپور؛ ۱۳۸۱؛ ۱۴۴). خاتمی در پیامی به مردم آمریکا ضمن اعلام مراتب احترام خود به مردم آمریکا، علت شکل گیری روابط نامطلوب بین دو کشور را ناشی از سوء سیاستهای دولتمردان کاخ سفید دانست. خاتمی ضمن تشریح چگونگی شکل گیری تمدن آمریکایی، این تمدن را محصول ملتی دیندار و آزادیخواه توصیف نمود (سجادپور؛ ۱۳۷۶؛ ۶۹).

آلبرایت وزیر خارجه آمریکا نیز در سخنرانی سال ۱۹۹۸ در انجمن آسیا به تمایل برای تغییر در سیاست آمریکا در قبال ایران تأکید کرد. در این مقطع آمریکا با جمهوری اسلامی ایران در مورد تنظیم برنامه های چند جانبه مربوط به مسائل مشترک موردعلاقه نظیر مقابله با گسترش موادمخدر و اوضاع افغانستان برخی مذاکرات و همکاریها را آغاز کردند. براین اساس بود که آمریکا اسم ایران را از فهرست تولیدکنندگان مواد مخدر حذف کرد. همچنین آمریکا به همکاری با ایران در اجلاس «۲+۶» در مورد افغانستان برای یافتن یک راه حل مسالمت آمیز برای مناقشه داخلی در آن کشور جنگ زده را ادامه داد و طرفین از برقراری تماسهای بیشتر بین دو ملت حمایت کردند. همچنین آمریکا مجاهدین خلق را یک سازمان تروریستی خارجی شناخت (فوزی؛ ۱۳۸۷؛ ۳۶۴). آمریکا از ایجاد تسهیلات در مورد صدور روایید برای تبادلات ورزشی و دانشگاهی حمایت کرد و در این مقطع میزبان تیمهای ورزشی سردبیران روزنامه ها، هنرمندان، و شمار زیادی از دانشمندان ایرانی بود از طرف دیگر جمهوری اسلامی ایران نیز دست به اقداماتی زد که نشان از حسن نیت این کشور داشت از جمله درهای خود را بر روی شمار فزاینده ای از بازدیدکنندگان آمریکایی تیمهای ورزشی، اندیشمندان، دانشجویان فارغ التحصیل آمریکایی گشود. در این ارتباط آقای خاتمی نیز در هفتم ژانویه ۱۹۹۸ اندیشه مبادله استادان نویسندگان محققان هنرمندان روزنامه نگاران و جهانگردان را راهی برای زمینه سازی ایجاد اعتماد بین دو کشور ذکر کرد. متقابلاً کلینتون در پیام شادباشی که در پایان ماه مبارک همان سال به مناسبت عید فطر فرستاد ایران را کشوری مهم با میراث فرهنگی باستانی و سرشاری که ایرانیان بحق به آن می بالند خواند. وی افزود اگرچه در مورد برخی سیاستهای ایران باین کشور اختلاف نظر جدی داریم ولی به اعتقاد من اینها بر طرف شدنی است او همچنین در عمل از پیشنهاد آقای خاتمی برای مبادلات فرهنگی استقبال کرد و سخنان خود را چنین پایان داد: «امیدوارم مبادلات بیشتری میان دولت صورت بگیرد و به زودی شاهد روزی باشیم که بتوانیم باردیگر از رابطه حسنه با ایران برخوردار شویم.» (فوزی؛ ۱۳۸۷؛ ۳۶۵). بدین ترتیب بعد از دوم خرداد در راستای تغییرات و تحولاتی که در جمهوری اسلامی ایران به وقوع پیوست دو کشور ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران ظاهراً در جهت برقراری روابط پیش رفتند و در این زمینه اقدامات و پیشنهادهای از سوی دو کشور ارائه گردید. ولی علی رغم این مسائل هیچ گاه روابط دو کشور روبه بهبود نرفت و نشانه ای جدی از آب شدن یخهای روابط دو کشور دیده نشد و خصومت میان دو کشور تداوم نیز یافت حتی آمریکا سیاستهای ناموفق همچون «مهار دو جانبه» و «تحریم ایران» را تغییر نداد و در دیگر موارد نیز مقابله و ایجاد محدودیت را علیه ایران ادامه داد. آنان با متهم کردن ایران به حمایت از تروریسم و تلاش برای به دست آوردن سلاح اتمی و نقض حقوق بشر در واقع خواستار تغییر موضع ایران در مخالفت با رژیم صهیونیستی و عدم حمایت ایران از گروههای مبارز فلسطینی و نگران توانایی ایران در دسترسی به سلاحهایی که می توانست امنیت رژیم صهیونیستی را دچار مخاطره کند بودند. باروی کار آمدن جورج بوش دوم در آمریکا این روابط شکل خصمانه تری به خود گرفت و تمام تلاشهای گذشته در دوران کلینتون تضعیف شد هر چند همکاریهایی بین ایران و آمریکا در آستانه حمله آمریکا به افغانستان به وجود آمد اما علی رغم این همکاریها سیاستهای یک جانبه گرایی آمریکا و قراردادن ایران در محور شرارت توسط بوش روابط دو کشور را بشدت تیره ساخت. در این دوران آمریکا همچنین ایران را به دست داشتن برخی اقدامات تروریستی از جمله بمبگذاری در طهران عربستان متهم کرد و همچنین از روسیه خواست که

از هرگونه همکاری هسته ای با ایران خودداری کند و مواعینی را در راه همکاری جمهوری اسلامی با کشورهای آسیای میانه ایجاد کرد و بودجه ای را برای سرنگونی حکومت ایران در کنگره تصویب نمود. (فوزی؛ ۱۳۸۷؛ ۳۶۶).

نتیجه

تنش‌زدایی بین‌المللی، همواره یه عنوان یکی از رویکردها و شعارهای جریان اصلاح‌طلبی مورد توجه بوده است. با روی کار آمدن دولت اصلاحات به ریاست محمد خاتمی، نیروهای عالی این دولت، جهت عملی ساختن وعده‌های انتخاباتی خود از جمله مهمترین آن‌ها یعنی سیاست تنش‌زدایی بین‌المللی، اقداماتی را در راستای ایجاد اصلاحات در رویکرد بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران نسبت به دولت‌های دیگر آغاز نمودند. سیاست تنش‌زدایی مبتنی بر سه شاخص سیاسی-امنیتی، مناسبات اقتصادی: تجاری-بازرگانی و شاخص فرهنگی تصویر سازی مثبت است. در خصوص کشورهای منطقه، مهمترین دستاورد دولت اصلاحات، ایجاد روابط گسترده و رفع قابل تامل تنش‌های پیشین بین این دو دولت بوده است. تنش‌زدایی با عربستان سعودی در تمامی شاخصه‌های سیاسی - امنیتی، اقتصادی و تصویرسازی - فرهنگی در سطح بالایی قرار داشت به طوری که در این دوران ایران و عربستان سعودی شاهد گرمترین روابط سیاسی در طول تاریخ سیاسی هفتاد سال گذشته خویش بودند. افزایش سفرهای دیپلماتیک مقامات دو کشور، افزایش مراودات بازرگانی و تجاری، همکاری جهت کاهش تولید نفت به منظور افزایش قیمت جهانی آن، اتخاذ مواضع مشترک در خصوص مسائل بین‌المللی از جمله مسئله افغانستان، مصادیقی از اقداماتی است که دولت اصلاحات در راستای تنش‌زدایی اتخاذ نموده و تا حدود بالایی شاخص‌های تنش‌زدایی را برآورده نموده است. در خصوص سایر کشورهای منطقه از جمله ترکیه نیز به سان عربستان اقدامات صورت گرفته نتایجی را به ویژه در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی از جمله فروش گاز به ترکیه و اتخاذ مواضع واحد در خصوص مسائل منطقه از جمله عراق محقق نمود. در خصوص اتحادیه اروپا اقداماتی همچون بازگشت سفرای دول اروپایی، افزایش سفرهای سیاسی و دیپلماتیک مقامات ایرانی به اروپا و بالعکس، همکاری در خصوص مسئله هسته ای ایران، رایزنی در خصوص گروهک تروریستی سازمان مجاهدین، حمایت از ایران جهت پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی WTO و رفع تحریم ایران در صدور کالا به اروپا، شاخصه‌های تنش‌زدایی را تا حدودی محقق نمود. هر چقدر دولت اصلاحات در تحقق شاخص‌های تنش‌زدایی در خصوص دولت‌های منطقه و اتحادیه اروپا موفق ظاهر شد، در رابطه با امریکا به دلیل شدت تنش‌های موجود این شاخص‌ها در دو شاخص سیاسی و عمدتاً شاخص تصویر سازی و فرهنگی قابل ارزیابی است. به این معنی که هر چند در دو شاخص مذکور موفقیت‌هایی حاصل شد اما در مورد شاخص اقتصادی تغییری در خط و مشی دو طرف ایجاد نشده است.

منابع

۱. اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۷۳)، مروری بر روابط ایران و عربستان در دو دهه اخیر، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۲. اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۷۹)، اصلاحات و رفورم و رنورم‌اسیون، فصلنامه کتاب نقد، ش ۱۶، تهران.
۳. ازغندی، علیرضا، (۱۳۷۰)، نظام بین الملل «بازدارندگی و همپایگی استراتژی»، تهران، نشر قومس. ازغندی، علیرضا، (۱۳۷۸)، «تنش‌زدایی در سیاست خارجی»، مورد ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم.
۴. خالوزاده، سعید، (۱۳۸۵)، ارزیابی گفتگوهای سازنده بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی، طرح نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۵. دلماس، کلود، (۱۳۶۵)، همزیستی مسالمت آویز، ترجمه: مهدی پرهام، تهران، سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
۶. رضانی؛ روح الله، (۱۳۹۱) چهارچوب تحلیلی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، نشر نی، تهران
۷. روزنامه اطلاعات/۰۲/۲۶، ۱۳۷۸، ش ۲۱۶۲۶
۸. سجادیپور، سیدمحمدکاظم (۱۳۷۹)، جهانی شدن و امنیت خارجی جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی، سال ۱۴، شماره ۲، تابستان.
۹. سجادیپور، سیدمحمدکاظم (۱۳۸۱)، سیاست خارجی ایران: چند گفتار در عرصه نخلری و عملی، چاپ اول، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۰. فرازمند، محمد، (۱۳۷۸)، «جمهوری اسلامی ایران و عربستان، به سوی افق های جدید همکاری»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۲.
۱۱. فرهیخته، شمس الدین، (۱۳۷۷)، فرهنگ فرهیخته، تهران: انتشارات زرین.
۱۲. متقی، ابراهیم (۱۳۷۶)، «منطقه گرایی در سیاست خارجی ایران و عربستان سعودی»، روزنامه فردا، ۱۳۷۶/۱۲/۲۵
۱۳. نادری، محمود، (۱۳۹۴)، فصلنامه ی مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال ششم: شماره ی شانزدهم صفحه ۴۰-۹۲. واحد مرکزی خبر، ۱۳۷۷/۰۸/۱۶